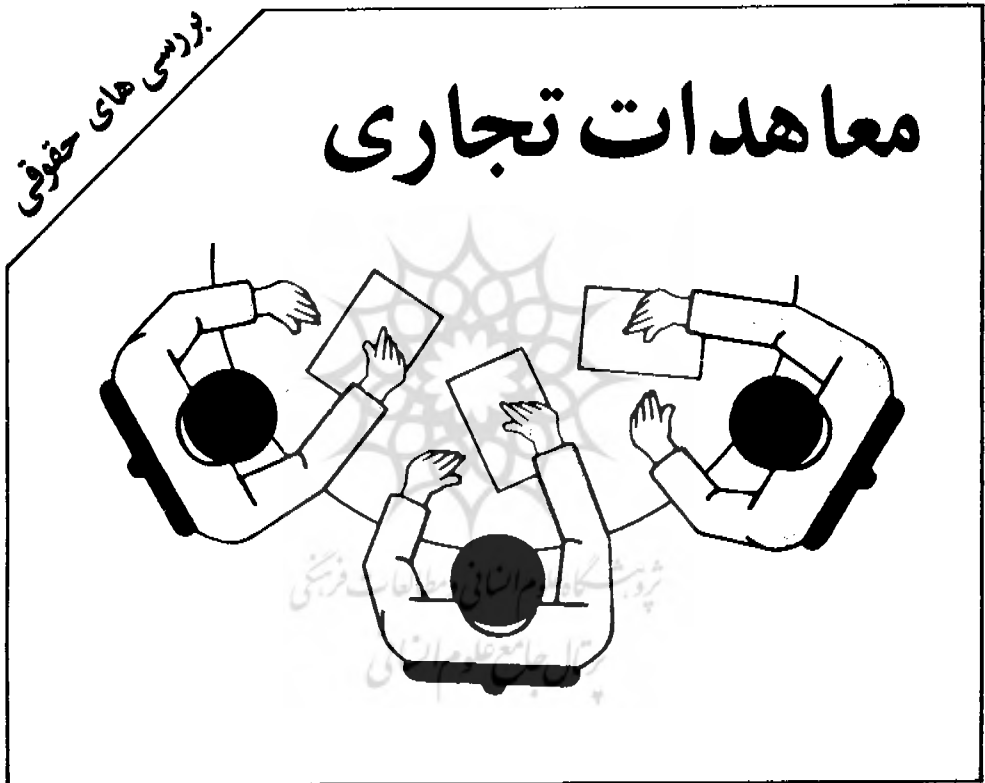


## ۱- مفهوم و اهداف

زیرا با فقدان قوانین تجاری عرفی یا موردقبول عموم در این زمینه، در قلمرو صلاحیت دولت است که مبادلات تجاری با خارج را اجازه دهد و مقررات ناظر بر این مبادلات را تنظیم کند. البته دیگر اشخاص<sup>۲</sup> حقوق بین الملل (مثلاً سازمانهای بین الدولی)<sup>۳</sup> نیز ممکن است بسته به

معاهدات تجاری<sup>۱</sup>، معاهدات دویا چند- جانبه ای هستند که در چهارچوب حقوق بین الملل، در خصوص تجارت یا دیگر فعالیتهای بازرگانی منعقد می شوند. این معاهدات را معمولاً دولتها منعقد می کنند،



### 1): Commercial Treaties

(۲): همانگونه که در حقوق داخلی اشخاص حقیقی و حقوقی طرف حق و تکلیفند، در حقوق بین الملل دولت، سازمانهای بین المللی و در مواردی نیز اشخاص حقیقی بعنوان طرف حق و تکلیف شناخته میشوند.

### 3): Intergovernmental Organizations.

اساسنامه خود، بعنوان طرف متعاقد در این معاهدات شناخته شوند.

مفاد یک عهدنامه تجاری ممکن است دارای ماهیتی عام بوده، یعنی چهارچوب روابط تجاری طرفهای متعاقد را در بلندمدت مشخص سازد، یا اینکه جنبه خاص تر داشته و شرایط فعالیت در رشته های خاصی از تجارت یا دیگر مبادلات بازرگانی را به تفصیل تنظیم کند و یا اینکه پروژه واحدی را تحت پوشش قرار دهد. «موافقتنامه های تضمین»<sup>۱</sup> از این جمله اند. موضوع معاهدات تجاری همانقدر متنوعند که خود تجارت. موضوع سنتی این نوع معاهدات، تجارت خارجی و از جمله توافق در مورد شرایط پرداخت و تسویه<sup>۲</sup> می باشد. اما موضوعات جدیدتر این نوع معاهدات، برای مثال، خدمات، تجارت نامرئی<sup>۳</sup>، وام و انواع گوناگون همکاری اقتصادی را شامل می شود. موضوعات اشاره شده و همینطور موضوعات دیگر نه تنها می توانند بصورت یکجا، یا مستقل در معاهدات دوجانبه درج شوند، بلکه همچنین می توانند به منظور تعمیم اثرات تنظیم کننده قواعد مورد نظر و در برخی موارد بعنوان گامی در راه یکپارچگی اقتصادی یا حتی سیاسی، در ترتیبات چند جانبه نیز گنجانده شوند. مفاد یک عهدنامه

بازرگانی همچنین ممکن است در معاهداتی با دامنه عام تر نیز وارد گردد.

هدف یک معاهده تجاری عموماً تقویت پیوندهای اقتصادی میان طرفهای متعاقد، از طریق تسهیل فعالیتهای تجاری مشخص است. اقدامات تشویقی مثبت و در رأس همه رفع یا تقلیل موانع موجود بر سر راه فعالیتهای بازرگانی، خصوصاً موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، نیل به این هدف را امکان پذیر می گرداند. تلاش میشود رفع موانع بر مبنای اصل عدم تبعیض استوار باشد. معمولی ترین معیارهای مورد استفاده در خصوص برخی فعالیتهای «شرط دولت کامله الوداد»<sup>۴</sup> و «رفتار با اتباع داخلی»<sup>۵</sup> هستند که مجتمعا و منفرداً در نظر گرفته میشوند. طبق شرط دولت کامله الوداد، طرف مقابل معاهده تجاری یا آندسته از اتباعش که درگیر فعالیت تجاری مورد نظر هستند، از همان رفتاری بهره مند می گردند که در ارتباط با دیگر طرفها در پیش گرفته میشود. شرط مزبور مانع از آن نیست که طرفهای متعاقد شرایط مطلوب تری برای یکدیگر در نظر نگیرند. نسبییت و انعطاف این معیار بدان سبب است که با رفتار در پیش گرفته شده در برابر دولت دیگر (دولت کامله الوداد) که طرف امتیاز دهنده می تواند آنرا تغییر دهد،

1): Guarantee Agreements

2): Clearing

3): Invisibles

4): Most - Favoured Nation Clause

5): National Treatment

صورت اعطای حق «دسترسی ترجیحی»<sup>۴</sup> به بازار داخلی کشورهای با اقتصاد نیرومند صورت می‌گیرد.

## ۲- بررسی تاریخی

الف - از دوران باستان تا عصر  
مرکانتیلیست‌ها<sup>۵</sup> (سوداگران):

قدمت معاهدات تجاری تقریباً به اندازه خود تجارت در میان دولت‌ها یا امپراتوری‌هاست. هدف معاهدات تجاری در ابتدای امر تعیین چهارچوبی برای روابط تجاری بود و خصوصاً برای بازرگانان در قیاس با خارجیانی که بطور اتفاقی تجارت می‌کردند، شرایط مطلوب‌تری قائل میشد. معاهدات تجاری منعقد می‌شد میان رم و کارتاژ<sup>۶</sup> از جمله نمونه‌های اولیه بشمار می‌روند. همچنین، رویه معمول در زمینه درج مواد مربوط به تجارت در معاهدات عادی سازی روابط پس از دوران جنگ، در معاهدات صلح سالهای ۵۳۲ و ۵۶۲ منعقد می‌شد. ایران و بیزانس<sup>۷</sup> نمایان است.

در قرون وسطی رویه‌ای برای تنظیم دوجانبه حقوق بازرگانان به هنگام ورود به

رابطه برقرار می‌کند، مگر اینکه «شرط عدم تغییر»<sup>۱</sup> نیز در معاهده گنجانده شده باشد. معیار رفتار با اتباع داخلی بدین منظور است که پیوندی تطبیقی با رفتار اتخاذ شده در برابر اتباع کشور امتیاز دهنده (از جمله در مورد فعالیت‌ها و اهداف داخلی آنان) برقرار شود و همان رفتار عیناً در مورد اتباع طرف متعاقد دیگر اعمال گردد.

به منظور تأمین منافع تجاری متقابل و برابر طرف‌های متعاقد، معیارهای مزبور بطور سنتی بر پایه مقابله به مثل (عمل متقابل)<sup>۲</sup> استوارند، اما گاه از طریق ترتیبات چندجانبه که اثر تعمیم دهنده نهفته در خود معیارها را - خصوصاً هنگامیکه شرط دولت کامله الوداد بکار رفته باشد - تقویت می‌کنند، به طرف‌های دیگری تسری داده میشوند. نیاز فزاینده به تسریع و حراست از توسعه اقتصادی کشورهای در حال رشد (خصوصاً کشورهای عقب مانده) منجر به ترتیبات دو و چند جانبه‌ای شده است که براساس آن دولت‌ها و یا گروهی از دولت‌ها که از لحاظ اقتصادی قوی‌ترند، «عدم تعادل»<sup>۳</sup> کنونی را پذیرفته رفتار مطلوبی را بطور یکجانبه و با زیر پا نهادن اصل عمل متقابل، در برابر آن کشورها در پیش می‌گیرند. این رفتار مطلوب اغلب به

1): Standstill Clause

2): Reciprocity

3): Disequilibrium

4): Preferential Access

5): Mercantilists

6): Cartage

7): Byzantium

کشورهای خارجی جهت انجام فعالیت‌های تجاری و خروج از این کشورها همراه با ثروتی که می‌اندوختند، شکل گرفت. پادشاهان و دیگر حکام در اکثر نقاط اروپا، اغلب بر مبنای عمل متقابل، امتیازات تجاری و امان‌نامه<sup>۱</sup> اعطا می‌کردند. تعدادی از دولت‌شهرها<sup>۲</sup> همچون «هانس»<sup>۳</sup> و دولت‌شهرهای ایتالیایی از این مزایا منتفع شدند و به مجموعه‌ای از معاهدات شکل دادند که به تجارت رو به رشد و دیگر فعالیت‌های بازرگانی آنها کمک میکرد.

با اقدام دولت‌ها در سامان دادن به فعالیت‌های منظم تجاری در قلمروشان و اعمال نظارت بر مبادلات تجاری با خارج، عصر جدیدی آغاز گشت. معاهدات تجاری با هدف امحاء و یا تقلیل موانع تجاری، مانند انواع ممنوعیت‌ها، عوارض بندری، انحصارات، سهمیه‌ها و تعرفه‌ها، به مسئله ورود و خروج مسافر، کالا و کشتی می‌پرداختند. مسائلی فرعی چون حمایت از اموال خارجی‌ان، حق وراثت، دسترسی به دادگاه و روابط کنونی نیز در این معاهدات مطرح بودند.

این معاهدات با اعطای امتیازات خاص به طرف‌های دقیقاً تعیین شده، اهمیت ویژه‌ای در عصر مرکانتیلیسم یافتند، گرچه جنبه‌های اصلی معاهدات تجاری هنوز رنگ دوران

قبل از مرکانتیلیسم را داشتند. گاه حق ورود یا اقدام به فعالیت تجاری و امتیازات مشابه، در حدی برابر با شهروندان کشور امتیاز دهنده تعیین می‌شد (شرط رفتار با اتباع داخلی). شرط دولت کامله الوداد با اشاره به یک دولت ثالث معین برقرار می‌شد و طبق معیار مهم برخورداری از حق برابر با یک دولت کامله الوداد نامعین، به دیگران تسری پیدا می‌کرد. مع هذا معیار دیگر، که هنوز هم کاربرد دارد، معیار مستقلی بود که برای انواع خاص کالاها یا تخفیفات ویژه تعرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت.

### ب- دوران تجارت آزاد:

نوع کلاسیک معاهدات تجاری، با تهذیب این عناصر، روح لیبرالیسم و تجارت آزاد نیمه دوم قرن نوزدهم را منعکس می‌سازد. بحث را با «معاهده کوپن»<sup>۴</sup> منعقد شده میان بریتانیا و فرانسه در سال ۱۸۶۰ — به عنوان مدلی برای تعداد بسیاری از معاهدات دولتی (مودت)، تجاری (یا همکاری) و کشتیرانی — آغاز می‌کنیم. این معاهده به صورت کلیشه موافقتنامه‌هایی درآمد که چهارچوب تجارت و دیگر روابط تجاری جهانی را در بلندمدت تعیین می‌کنند. اعطای حق ورود و راه‌اندازی فعالیت تجاری، حمایت از اموال خارجی‌ان، اجازه

1): Safe - Conduct

3): Hanse

2): City States

4): Cobden Treaty

جبرانی، فراهم می‌آوردند.

### ج - دوران پس از جنگ جهانی دوم:

در دوران پس از جنگ جهانی دوم بازگشتی تدریجی به سوی لیبرالیسم تجاری و گرایشی قوی نسبت به ترتیبات چند جانبه به چشم می‌خورد. جاه‌طلبانه‌ترین پروژه در این زمینه تنظیم «منشور هاوانا»<sup>۱</sup> بود که بی‌ثمر ماند، ولی خارج از این چهارچوب بطور همزمان موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)<sup>۲</sup> به سال ۱۹۴۷ به امضاء رسید. این موافقتنامه بر معیارهای سنتی عدم تبعیض، یعنی شرط دولت کامله الوداد و شرط رفتار با اتباع داخلی، و همچنین اصل عمل متقابل مبتنی است. گات آنها را در قالب یک نظام تجاری جهانی مورد قبول عموم و مستقر قرار می‌دهد.

در ارتباط با ترتیبات چند جانبه، قرار شد سازمانی بین‌المللی برای رسیدگی به مسائلی که در مورد آنها راه‌حلهای دوجانبه رضایتبخشی وجود نداشت، تشکیل گردد. نمونه‌های برجسته این سازمانها که در زمینه‌های مهمی چون نظام پولی و کمک‌های مالی فعالیت دارند، صندوق بین‌المللی پول<sup>۳</sup>، بانک بین‌المللی ترمیم و

دسترسی به دادگاه و به رسمیت شناختن اشخاص حقوقی خارجی بر پایه اصل عمل متقابل، از جنبه‌های مهم این معاهده بودند که گاه در معاهده جداگانه‌ای تنظیم می‌شدند. اجازه ورود به کشتی خارجی، ورود و صدور ترانزیت کالا و تقلیل تعرفه‌های گمرکی و دیگر تحمیلات مالی مانع تجارت، از جنبه‌های عادی معاهده مورد بحث بشمار می‌رفتند. در معاهداتی از این نوع، چهارچوبی اساسی برای تجارت آزاد تعیین می‌گردید و بنابراین کلاً به میزان واقعی تجارت یا جزئیات تنظیم این امر، همچون سهمیه‌ها، توجهی نشان داده نمی‌شد.

در خلال سالهای بحران اقتصادی قبل از جنگ جهانی دوم، وضعیت به سرعت تغییر یافت. دولتها برای بهبود موازنه تجاری خود اقدامات حمایتی یکجانبه‌ای، چون برقراری سهمیه وارداتی و سوبسید صادراتی، بعمل آوردند و با اعمال کنترل بر مبادلات ارزی، اثرات سوء بحران مالی بر پول ملی و تراز پرداختشان را تقلیل دادند. در چنین اوضاع و احوال اقتصادی، معاهدات تجاری ترتیبات کوتاه مدتی را برای مبادلات مشخص کالاها و پرداخت قیمت آنها از طرق ویژه، از جمله با استفاده از روشهای پایاپای و

1): Havana Charter

2): General Agreement On Tariffs and Trade (GATT)

3): International Monetary Fund (IMF)

توسعه (بانک جهانی)<sup>۱</sup> و اتحادیه بین المللی توسعه<sup>۲</sup> می‌باشند.

در عین حال، هدف دیگر ترتیبات چند جانبه، برقراری هماهنگی و اتحاد میان دولت‌ها (اغلب به منظور همکاری اقتصادی در قالب مناطق تجارت آزاد یا اتحادیه‌های گمرکی) بود. در حالیکه تأسیس سازمانها و گروه‌های اقتصادی توسط دولت‌های دارای نظام اقتصادی مشابه، در قرن نوزدهم ناشناخته نبوده (مانند اتحادیه گمرکی آلمان - زولواین<sup>۳</sup>)، اما امروزه آنچنان گسترش یافته است که اکثر دولت‌ها در یک یا تعداد بیشتری از این ترتیبات مشارکت دارند.

علاوه بر این هدف، گرایش دیگر در ترتیبات چند جانبه، انعقاد و الحاق به کنوانسیونهایی بود که مبنای حقوقی مشترکی برای برخی از مسائل تجاری یا مسائل مرتبط با آن بوجود می‌آورد. کنوانسیونهای مربوط به «هماهنگ و متحدالشکل کردن»<sup>۴</sup> قوانین از این جمله‌اند. علاوه بر موضوعاتی که پیش از قرن بیستم تنظیم شدند (مانند ارتباطات

دور، خدمات پستی) برای انتشار تعرفه‌های گمرکی و «حمایت از دارائی معنوی»<sup>۵</sup> و تقریباً در هر شاخه‌ای از حقوق و رویه تجارت، تلاشهایی در قالب یکنواخت کردن قوانین مختلف بعمل آمد. به عنوان مثال می‌توان به زمینه‌هایی چون حمل و نقل کالا و مسافر از طریق هوایی، دریایی، جاده‌ای و از طریق راه آهن؛ قرارداد فروش کالا؛ نمایندگی تجاری با تسهیل روشهای گمرکی (از جمله طبقه‌بندی کالا و گواهی مبدأ)؛ اسناد قابل انتقال (مانند چک و برات)؛ روشهای حل و فصل اختلاف (از جمله موضوع قبول آراء داوری و قضایی بین المللی) اشاره کرد. به جز مؤسسه‌ای که بطور مستقیم به تنظیم قوانین اشتغال داشتند و اعضایشان نیز محدود بودند (مانند مؤسسه بین المللی برای یکنواخت کردن حقوق خصوصی)<sup>۶</sup> ارکان بین المللی متعددی در این زمینه بوجود آمدند که همه دولت‌های جهان در آنها نمایندگی داشتند، مانند «سازمان بین المللی دریایی»<sup>۷</sup>، «سازمان جهانی دارائی

1): International Bank for Reconstruction and Development World Bank (IBRD)

2): International Development Association (IDA)

3): Zollverein

4): Unification and Harmonization

5): Intellectual Property

توضیح: حق مؤلف و مصنف و حق اختراع از جمله دارائی‌های غیرمادی (معنوی) می‌باشند.

6): International Institute for the Unification of Private Law ((UNIDROIT)

7): International Maritime Organization (IMO)

معنوی»<sup>۱</sup> و همچنین ارکانی از سازمان ملل متحد، همچون «کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق تجارت بین الملل»<sup>۲</sup> و «کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد»<sup>۳</sup>.

### ۳- ترتیبات چند جانبه و زویه انعقاد معاهدات دوجانبه

#### الف - گسترش ترتیبات چند جانبه



وضعیت حقوقی کنونی و رویه انعقاد معاهده در تجارت بین الملل عمدتاً تحت تأثیر ترتیبات چندجانبه قرار دارد که اغلب بر دامنه و محتوای معاهدات تجاری دوجانبه اثر می‌گذارند. علاوه بر موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه منعقد شده پس از جنگ جهانی دوم - که به آنها اشاره شد - در مواردیکه دیدگاه جمعی دولتها لازم یا مطلوب تشخیص داده است، تعداد زیادی معاهده چند جانبه در قالب «موافقتنامه‌های متمم»<sup>۴</sup> یا به صورت جداگانه در زمینه‌های جدید منعقد شده‌اند.

برجسته‌ترین نمونه که ترتیبات اساسی قبلی را بطور مستمر تکمیل می‌کنند موافقتنامه‌های تجاری متعددی هستند که طی دوره‌های مختلف مذاکراتی، در چهار چوب گات منعقد میشوند. تأکید اولیه آنها بر «تخفیف‌های تعرفه‌ای دوجانبه»<sup>۵</sup> برای کالاهای خاصی بود که تضمین می‌شدند و بواسطه اصل بی قید و شرط دولت کامله الوداد به دیگر کشورهای عضو موافقتنامه تعمیم پیدا می‌کردند. این تأکید جای خود را به دیدگاه عام‌تری در مورد تعرفه‌های گمرکی، و خصوصاً تقلیل یا امحاء



- 1): World Intellectual property organization (WIPO)
- 2): United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL)
- 3): United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)
- 4): Supplementary Agreements
- 5): Bipartite Tariff Reductions

موانع غیرتعرفه‌ای، از طریق مذاکرات تجاری چند جانبه داده است. محدودیت‌های مقداری، استانداردهای فنی، سورشارژ<sup>۱</sup> واردات، «حقوق و عوارض جبرانی»<sup>۲</sup> از جمله موانع غیرتعرفه‌ای هستند.

تعدادی موافقتنامه تجاری نیز در زمینه‌های خاصی چون کالاهای نیمه‌پردازش شده یا ساخته شده (مثلاً منسوجات) و خصوصاً مواد خام و غذایی (مانند قلع، کنف، نفت، اورانیوم، شکر، قهوه و کاکائو) بر پایه چند جانبه منعقد شده‌اند. هدف از موافقتنامه‌های کالا، تثبیت قیمت از طریق تشکیل کارتل تولیدکنندگان، تضمین عرضه و قیمت با همکاری دولتهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، و یا ایجاد «ذخیره احتیاطی»<sup>۳</sup> می‌باشد. در بسیاری از مقوله‌های تجاری دیگر نیز نیاز به اتخاذ یک دیدگاه جمعی احساس شد. مستقراتی در خصوص بهره‌برداری از معادن در اعماق دریاها و مناطق انحصاری - اقتصادی<sup>۴</sup> در سازمان ملل متحد تنظیم شده است. سرانجام برای نشان

دادن نوع دیگری از معاهدات چند جانبه باید گفت که جامعه اقتصادی اروپا طبق کنوانسیونهای لومه<sup>۵</sup>، موافقتنامه‌های همکاری اقتصادی را به گروه کشورهای متعلق به آفریقا، منطقه کارائیب و اقیانوس آرام تسری داده است.

طبق کنوانسیونهای مزبور بدون اینکه نیاز به عمل متقابل باشد، جامعه اقتصادی اروپا از گروه کشورهای یاد شده کالاهای صنعتی و محصولات کشاورزی زیادی وارد می‌کند. و در عین حال امتیاز دسترسی ترجیحی به دیگر کالاهای تولید شده و منابع سرمایه موجود در جامعه را به آنها اعطاء می‌نماید.

ارزیابی: محتوی و ارزش معاهدات تجاری عمدتاً به وضعیت اقتصادی دائماً در حال تغییر و ارزیابی آن توسط طرفهای متعاقد بستگی دارد. قبولی گسترده اصل عدم تبعیض در معاهدات تجاری، اثر ثبات بخش اقتصادی‌شان، جنبه‌های مثبت معاهدات مزبور بشمار می‌آیند.

1): Surcharge.

4): Exclusive Economic Zone

2): Countervailing Duties

5): Lomé Conventions

3): Buffer Stocks

\* به نقل از:

G. Herrmann, «Commercial Treaties» in *Encyclopedia of public International Law*, vol. 8 (Amsterdam: North - Holland, 1985), pp. 85-88.